

## سلامی دوباره به وارث

جُنَّةُ الْحَوَادِثِ فِي شَرْحِ زِيَارَةِ وَارِثِ، المولى حبيب‌الله الشَّريف الكاشاني،  
تحقيق و تعليق: نزار الحسن، ط: ١، قم: دار جلال الدين، ١٤٢٣ هـ. ق.

جبريل شادان

زيارت وارث از زیارتنامه‌های مربوط به حضرت سید الشهدا حسین بن علی - صلوات الله وسلامه  
عليهما - است که در شماری از نیايشنامه‌های شیعی آمده و با همه کوتاهی‌اش معانی بلند و بنيادینی  
را در خود گنجانیده است.

یکی از نویسندگان معاصر می‌گوید: «زيارت وارث به زائر می‌آموزد که اسلام امامت، رسالت  
تاریخی ادیان توحیدی را بر دوش دارد و به همین دلیل خاتم الأديان و پیامبرش - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -  
خاتم الانبياء است و در اینجاست که معنای امامت را می‌یابد. زائر در این زیارت رسالت همه پیامبران  
بزرگ تاریخ توحید را بر دوش امام حسین - عليه السلام - می‌یابد و چنین می‌فهمد که گویی عاشورا  
نقطه اوج نبرد همه توحید تاریخی با همه شرک تاریخی است»<sup>۱</sup>.

جُنَّةُ الْحَوَادِثِ شرح علامه ملا حبيب‌الله شريف کاشاني (٢٤٢ - ١٣٤٠ هـ. ق.)<sup>٢</sup> بر این زیارتنامه  
شريف است؛ شرحی طراوت یافته از عرفانگرایی ولایت مدار شیعی.

محقق محترم کتاب، جُنَّةُ الْحَوَادِثِ را به دو ویژگی می‌شناسد و می‌شناساند: یکی سلاست و  
غذویت الفاظ، و دیگری صبغه ولایی ناب زودياب (نگر: ص ٥).

آن گونه که از پاورقی‌ها و تخریجات محقق بر می‌آید و در مواردی هم خود مؤلف تصریح کرده  
(نگر: صص ٢٨ و ١٩٠)، وی در میان مآخذ روایی به کتاب شريف بصائر التَّرجات و همچنین به مشارق  
أنوار اليقين حافظ رجب بُرسي - رحمة الله عليه -، اعتنا و استناد بسیار نموده است. از تکیه شارح بر  
این دو اثر می‌توان جهت‌گیری شرح او را دریافت: امام شناسی عرفانگرا و باطنگرایی شیعی.

البته ملّا حبیب الله شریف که عالمی شریعتمدار است، همواره می‌کوشد سلوک در این وادی را از درغلتیدن در وادی هذیان‌گویی و غلو جدا کند.

او برای جملاتی از دست «أنا آدم الأول، أنا نوح الأول، أنا محمد و محمد أنا» یا «أنا رافع ادریس مکاناً علیاً، أنا منطلق عیسی فی المهد صیباً» «أنا صلاة المؤمنین، وصیامهم، وحجهم، و زکاتهم» که در متونی چون «مشارق أنوار الیقین» حافظ رجب بُرسی - رحمة الله علیه - از قول امیرمؤمنان - علیه الصلاة والسلام - آمده است و ای بسا از نظر برخی بوی غلو بدهد، توجیهاات و تأویلاتی پیراسته از غلو و سازگار با امام شناسی شیعی به دست داده است (نگر: صص ۴۴ و ۵۰ و ۷۰ و ۸۷ و ۱۵۵ و ۱۵۶).

ملّا حبیب الله سخن بر غلات و مفوضیه که در وفات ائمه پیش از حضرت حجت - علیهم السلام - شبیه می‌کرده و می‌گفته‌اند امر این بزرگواران بر مردم مُستَبه شده و چونان حضرت مسیح - علیه السلام - همچنان حیاتِ ظاهریشان ادامه دارد، می‌تازد، شبیه آفرینانِ غالی و تفویضی را لعن می‌کند و در این باب به مأثور و ضروریاتِ مذهبِ تشیع استناد می‌نماید (نگر: ص ۱۲۷).

عرفانگرایی ملّا حبیب الله شریف در آثارش پنهان نیست، ولی به تصوفِ مرسومِ رویِ خوشی نشان نمی‌دهد. وقتی توضیح می‌دهد در عبارتِ قرآنی «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»، مراد از «یقین» مرگ است و در این باب تفصیلی نیز می‌آورد، خاطر نشان می‌کند: «صوفیان این آیه را بر ظاهرش حمل کرده و پنداشته‌اند بر اولیایِ خداوند تکلیفی نیست زیرا ایشان به معارجِ یقین بالغ گردیده‌اند؛ و فسادِ پندارِ ایشان [= صوفیان] آشکار و هویدا است» (ص ۱۱۸).

با آنکه گروهی پُر شمار از عالمانِ شیعی روزگارِ صفوی به بعد، نظر خوشی به احیاء علوم الدّین ابو حامدِ غزالی ندارند - و انصافاً نیز در این نگرش مُحقّق‌اند - ملّا حبیب‌الله شریف کاشانی - رضوانُ الله علیه - خواننده خود را بی‌واسطه به احیاء علوم الدّین ارجاع می‌دهد (که این دستِ کم برای صاحب این قلم قدری عجیب بود):

«وبیان حقیقة المحبّة وعلاماتها، وسائر ما يتعلّق بها لا یسهه هذا المختصر، و من أراد الاطلاع علی ذلك کلّه فلیطالع احیاء العلوم للغزالی». (ص ۸۲).

شارح جای دیگر به مناسبتِ بحث در باب لعن اعدای اهل بیت - علیهم السلام - می‌نویسد:

«ولا شکة عندنا فی جواز اللّعن، بل وجوبه علی قتلة العترة الطاهرة وظلمتهم، وقد دلّ علیه الكتاب والسنة المتواترة والاجماع من الامامية والعقل المستقیم والذوق السليم، والعجب ممن أنکر هذا الحكم مع وضوحه وهم شرذمة من مخالفينا فرعموا أن المسلم لا يجوز لعنه مطلقاً وأن یزید وأضرأ به من ظلمة آل محمد - صلی الله علیه وآله - كانوا مسلمین!، وللغزالی قبل تشیعه فی المقام کلمات واهیه

يشم منها رائحة الكفر يستحى القلم من تحريرها، واللسان من تقريرها، فالإعراض عن ذكرها أولى...» (صص ۱۲۳ - ۱۲۴).

می‌گوییم: حتی اگر استبصارِ غزالی را مُسَلِّم داریم،<sup>۲</sup> همین رأیِ سخیفِ او در *احیاء العلوم* که شارح نیز مورد نقد و تقییح قرار داده است، نشان می‌دهد حُسنِ ظنِّ شارح به *احیاء العلوم* عام نبوده و قاعدتاً منحصر به همان مبحثِ محبتِ است که خاطر نشان کرده.

شارح در نقلِ قول از مصباحِ الشریعة، صراحتاً «قال الصادق - علیه السلام -» می‌گوید (نگر: صص ۸۳ و ۸۴)؛ کما این که مصحح نیز در حواشیِ خود بر کتاب (نگر: صص ۱۰۸) چُنین می‌کند. تسامحِ شارح را با توجه به مقتضیاتِ آن روزگار مَعْفُو می‌توان دانست ولی جای آن بود که - خصوصاً با توجه به آگاهی‌های امروزی‌نمان از تراثِ شیعی - محققِ کتاب در این باب احتیاطِ بیشتری پیشه کند.

از دیگر مأخُذِ صاحبِ «جَنَّةِ الحوادث» که به نام آنها تصریح کرده، مناقبِ الجوزی (صص ۱۱۳ / که مراد از آن تذکرة الخواصِّ سِنْبَطِ بن جوزی است) و مطالبِ السُّؤُول (صص ۱۱۴) می‌باشد. محقق در چاپِ جَنَّةِ الحوادث از طبعِ قدیمِ آن بهره بُرده (نگر: صص ۵) و البته لختی به ویرایشِ زبانیِ متن نیز دست یازیده (نگر: صص ۶) که بنا بر قواعدِ تصحیحِ متن لااقل باید همه جا به ضبطِ اصلی تصریح می‌کرده. هرچند نوعاً در متونی که غیرِ عربیِ زبانان نوشته‌اند ناهمواری‌هایی از حیثِ دقائقِ صرفی و نحوی و تذکیر و تأنیث وجود دارد، دخالت در متن، ولو آنکه بهسازانه باشد، خلافِ اصلِ اصیلِ امانت در این نوع کارهاست.

انصافاً پاره‌ای از حواشی و توضیحات و تحریجاتِ محققِ آن اندازه مبسوط است که می‌توان مجموعِ این حواشی و تعلیق را تألیفی مُنیف و ذیلی بر جَنَّةِ الحوادث محسوب داشت در مواضعی مؤلف - رضوانُ اللهِ علیه - روایتی را تماماً نیاورده است و محقق - برایِ تتمیمِ فائدت - بخشی را که او یاد نکرده در هامش ذکر نموده (نگر: صص ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۵۸ و ۵۹).

از مواردِ افزودنی بر حواشی و تحریجاتِ محققِ محترم، تعیینِ قائل و محلُّ «فاق النَّبیینَ فی خَلْقِ و فی خَلْقِ / ولم یُدانوه فی حلم و لا کرم» (صص ۸۱) است که دربارهٔ آن چیزی ننوشته‌اند. این بیت از ابیاتِ چکامهٔ بلند آوازهٔ شرف‌الدین بوسیری (۶۰۸ - ح ۶۹۵ هـ. ق.)، موسوم به *بُرْدَه و الکواکب الدَّرّیة فی مدحِ خیرِ التَّبرّیة* - صلی الله علیه و آله - است.

همچنین تخریجِ روایت یا روایاتِ موردنظرِ شارح در بابِ «أوثقُ عُرَى الایمان» (صص ۱۵۹)، - که احتمالاً دو حدیثِ ۱۸۷۰ و ۱۸۷۴ از *أصولِ کافی* (چاپِ أسوه) بوده - از قلمِ افتاده است.

خداوند عَمَلِ ولایی مؤلف و محققِ جَنَّةِ الحوادث را به بهترین نحو از ایشان در پذیرد - بِمَنِّهِ و کَرَمِهِ.<sup>۳</sup>

### پی‌نوشت:

۱. چشمه خورشید (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ ه. ش، ۹۷/۱ و ۹۸ (مقاله آقای دکتر محمود رضا افتخارزاده).
۲. درباره ملا حبیب‌الله شریف کاشانی - رضوان الله علیه - ، نگر: بیست مقاله، رضا استادی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش، صص ۳۸۶ - ۴۲۹.
۳. گروهی از قداماً از استبصار غزالی سخن گفته‌اند و علی‌الخصوص کتاب سز العالمین را بر این معنا شاهد گرفته‌اند. محقق جنة الحوادث نیز در ضمن گفتاوردی که آورده به همین سز العالمین توجه داده است. لیک باید گفت نه استبصار غزالی مُسَلَّم است و نه نسبت سز العالمین به او استوار.
۴. این نام در صفحه عنوان کتاب نادرست به کسر جیم چاپ شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی